

جاودانگی شریعت اسلام از منظر عقل

(۲)

محمدعلی ایزدی

در شماره گذشته، پس از بحث‌های مقدماتی مانند تبیین مفاهیم، و پرتوافکنی به موضوع بحث، این امر مطرح شد که آیینی می‌تواند جاودان باشد که دارای سه شاخصه و خصیصه یاد شده در زیر باشد:

۱. مطابقت با سرشت آدمی، ۲. همراهی با قافله علم، ۳. مطابقت با عقل و خرد. در بخش نخست، مطابقت شریعت اسلام با سرشت بشری را بررسی و اثبات کردیم، و اینکه در این شماره، وجود دو ویژگی دیگر را در شریعت اسلام، مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم:

دارد؛ از این روی عقلاً هرگاه دستورات اعتقادی و اخلاقی و حقوقی یک آیین با قافله علم و دانش هماهنگ نباشد، بی‌شک چنین آیینی قابل دوام نخواهد بود. اصولاً خاستگاه این تفکر که مذهب از جمود و یکنواختی برخوردار است، و نمی‌تواند نیازمندی‌های گوناگون جوامع

۲. همراهی با قافله علم و دانش

یکی دیگر از رمزهای جاوید ماندن یک آیین و مکتب، همراهی و هم‌خوانی آن با قافله علم و دانش است. زیرا در انسان، فطرتاً غریزه علم‌جویی، کاوشگری، و عقب زدن پرده جهالت و نادانی وجود

شرقی‌های مرعوب فرهنگ غرب که آگاهی درستی از اسلام نداشتند، پدید آمد که مذهب، سختگیر، دُگم غیر قابل انطباق با زمان، ومخالف با تمدن و علم است و با هرگونه پیشرفت و تجدد مخالف است؛ غافل از این که اسلام عزیز از این نغمه‌های ناموزون به کلی دور است و نه تنها با علم و دانش و تجدد مخالفتی نداشته، بلکه بیشترین نقش را در بوجود آمدن تمدن بشری داشته است؛ لذا اشاره‌ای اجمالی به این مسئله ضروری به نظر می‌آید.

۲-۱. جایگاه علم و دانش در اسلام

بر هیچ انسان خبیر و منصفی پوشیده نیست که علم و دانش در آیین اسلام از جایگاهی بلند و رفیع برخوردار است. این حقیقت را می‌توان با نگاهی گذرا به آیات قرآن کریم و احادیث اسلامی بازشناخت؛ نخستین آیات قرآنی که بر پیامبر اکرم ﷺ نازل گردید، از علم و دانش به عنوان ارمغانی الهی یاد کرده و می‌فرماید:

۱. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۶، ص ۳۶۰.
۲. دامپی‌یر، تاریخ علم، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، ص ۸۹.

بشری را پاسخگو باشد، کشورهای اروپایی و غربی هستند، چون کلیسا برای حفظ قدرت اهریمنی خود هر پدیده نویی را محکوم می‌کرد و هر اختراع و اکتشاف جدیدی را تنها به این علت که در کتاب مقدس نیامده است مطرود می‌شناخت و چنین وانمود می‌کرد که مذهب با علم و پدیده‌های نو، مخالف است و در این راه دانشمندان زیادی را به زندان انداخت و یا در آتش سوزانید و محکوم به مرگ نمود. «به گفته ویل دورانت از سال ۱۴۸۰ تا ۱۴۸۸ - به مدت هشت سال - ۸۸۰۰ تن سوخته و ۹۶۴۹۴ تن به کیفرهای مختلف محکوم شدند» (۱).

دامپی‌یر نیز در این رابطه می‌نویسد: «اندیشه مسیحی با دانش غیر دینی آشتی ناپذیر شد و آن را با کفری که مسیحیان برای غلبه بر آن به پا خاسته بودند یکی شمرد و به دستور اسقف تئوفیلوس قسمتی از کتابخانه اسکندریه در ۳۹۰ م نابود گردید و به طور کلی جهل را فضیلت دانستند» (۲).

در اثر این سخت‌گیری‌های کلیسا بود که این فکر برای مردم اروپا و برخی از

﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ
الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي
عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾ (۱)

«بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید، (همان کسی که) انسان را از علق (خون بسته‌ای) خلق کرد، بخوان که پروردگارت (از همه) بزرگوارتر است، همان کسی که به وسیله قلم تعلیم نمود، و به انسان آنچه را نمی‌دانست یاد داد».

از نظر قرآن، مقام عالمان با غیر عالمان، هرگز برابری نمی‌کند، (۲) و کسانی که از ابزارهای شناخت و معرفت به طور بایسته بهره نمی‌گیرند از دیدگاه قرآن از مقام انسانیت تنزل نموده و در جرگه حیوانات و حتی پایین‌تر از آنان می‌باشند. (۳)

در احادیث نبوی نیز مطالب بسیاری درباره ارزش دانش‌آموزی آمده است که برخی از آنها یادآوری می‌شود:

در حدیثی، نبی مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تحصیل علم را به عنوان یک فریضه عمومی مطرح کردند و فرمودند:

«طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» (۴)
«طلب علم بر هر مسلمانی واجب است».

در این حدیث شریف، واژه «علم» بدون قید و شرط ذکر شده، و شامل تمام رشته‌های علمی مورد نیاز جامعه می‌شود و هیچ استثنایی حتی از نظر زن و مرد هم ندارد. زیرا «مسلم» جنس است و شامل همه افراد می‌شود، علاوه بر این، در بعضی نقل‌ها کلمه «مسلمه» نیز ذکر شده است.

در حدیث دیگری فرمودند:
«اطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ» (۵)

«ز گهواره تا گور دانش بجوی».
یعنی مسلمانان باید در تمام دوران عمر خود، تحصیل علم کنند، و فراگیری علم و دانش فصل و زمان معینی ندارد. در جای دیگری حضرت فرمودند:
«اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ» (۶)

«برای تحصیل علم به چین (دورترین

۱. سوره علق، ۹۶، آیه ۵-۱.
۲. سوره زمر: ۳۹، آیه ۹: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ».
۳. سوره اعراف: ۷، آیه ۱۷۹: «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ».
۴. اصول کافی، ج ۱، باب اول، حدیث ۶، ۲، ۵.
- ۱؛ بحارالانوار، ج ۱، ص ۷۷.
۵. بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۸۰.
۶. بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۸۰.

نقاط عالم) مسافرت کنید، (تحصیل علم، جا و مکان نمی‌شناسد)».

در حدیث اول پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ محدودیت جنسی را برداشتند و تحصیل علم را بر هر زن و مرد فرض اعلام نمودند، در حدیث دوم قید زمان را برداشتند که آموختن را وقت مخصوصی نیست و همواره باید به کسب دانش پرداخت. و در حدیث سوم قید مکانی را نیز برداشتند و به ما آموختند که برای کسب علم و دانش، در صورت لزوم، می‌بایست به دورترین نقاط عالم نیز سفر نمود.

در حدیث دیگری که از حضرت علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده، حضرت شرط مسلمان بودن استاد و معلم را نیز برداشتند و فرمودند:

«الْعِلْمُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ، فَخُذُوهُ وَلَوْ مِنْ أَيْدِي الْمُشْرِكِينَ» (۱).

«علم گمشده مؤمن است، آن را بدست آورید، اگر چه در دست مشرکان باشد».

این عقیده دینی موجب گردید، که مسلمانان با دید باز و بدون تعصبات فرهنگی به علوم و فنون بشر که محصول

تمدن‌های باستان بود، بنگرند و در فراگیری آن‌ها از هیچ کوششی دریغ نوزند.

این حقیقت که علم و دانش و عالم و دانشمندان در تعالیم اسلامی از اعتبار و جایگاه والایی برخوردار است، توجه برخی از دانشمندان غیر اسلامی را نیز جلب نموده است.

۲ - ۲. تمدن عظیم اسلامی

در سایه تشویق و ترغیب اسلام به علم‌آموزی، وجدیت و سخت‌کوشی دانشمندان این مکتب، مسلمانان توانستند تمدن عظیمی بوجود آورند تمدنی که چندین قرن به طول انجامید و سبب حیرت و اعجاب جهانیان گردید.

پروفسور گرونهام در این باره می‌گوید:

«تمدن اسلامی در عین آن که بسیار آیین بکر است، همه چیز خواه به نظر می‌آید، این تمدن مشارکت‌های خارجی را پذیرفته و حتی در جستجوی چنین مشارکت‌هایی برآمده است تا در عین

۱. ابن عبدالبر النمری القرطبی، جامع بیان العلم وفضله، ص ۱۲۲.

همت و تلاش دانشمندان و تربیت یافتگان تعالیم اسلام که لحظه‌ای از کسب دانش باز نمی‌ایستادند و خود را فارغ‌التحصیل نمی‌دانستند، موجب شد در علوم گوناگون ابتکارات و اکتشافات روزافزونی داشته باشند.

اینکه مسلمین دوران عظمت و افتخار آمیزی را پشت سر گذاشتند و چندین قرن در علوم، صنایع، فلسفه، هنر، اخلاق و نظامات اجتماعی بر همه جهانیان تفوق داشتند، و از این روی تمدنی عظیم و با شکوه بوجود آوردند، اصلاً جای تردید نیست.

این مطلب به قدری بدیهی و روشن است که برخی از محققین بی‌غرض و منصف غربی نیز بدان اعتراف و تصریح نمودند. دویچ، ضمن اعتراف به تمدن عظیم اسلامی می‌نویسد:

۱. پروفیسور فن گوستا و گروینام، اسلام در قرون وسطی، ترجمه غلامرضا سمیعی، ص ۳۳۰.
۲. گوستا و لوبون، تمدن اسلام و عرب، ص ۱۴۳، ترجمه سید هاشم حسینی.
۳. همان، صص ۱۶۶-۱۶۷، و ص ۲۰۴.

بهره‌وری از آن‌ها در شرایط مختلف، هویت خویش را حفظ کند.

اسلام حرفه‌های بیگانه را تشویق کرد طبیب مسیحی، ریاضی‌دان هندی، مدیر ایرانی می‌توانستند روی قدرشناسی و پاداش مسلمانان حساب کنند، تمدن اسلامی در موارد بسیار گونه‌های مختلف تشکیلات بیگانه را آزموده و مورد عمل قرار داده است...»^(۱)

گوستا و لوبون نیز در این باره می‌گوید: «اسلام برای اکتشافات علمی از هر دینی مناسب‌تر و ملایم‌تر است».^(۲)

«دوران نبوغ تمدن مسلمانان، پس از دوره فتوحات آغاز می‌شود که تمام سعی و تلاش خود را متوجه آداب، علوم و صنایع نمودند و به همان اندازه که در فنون جنگی پیشرفت کردند، در فنون مربوط به صلح و تأسیس تمدن هم به همان اندازه پیشرفت نمودند. در دوره جدید که دوره انتظام و اداره کردن دولت پهناور اسلامی است، مسلمانان استعداد خود را در میدان تمدن به کار گرفتند، و با استفاده از تمدن‌های پیشین، شالوده تمدن درخشانی را ریختند که در ادبیات و فنون به حد اعلای رسید».^(۳)

«این قرآن بود که موجب پیشروی مسلمانان در سرزمین‌های اروپا گردید، در آنجا هنگامی که تاریکی همه جا را فرا گرفته بود، آنان مشعل‌های انسانیت را برافروختند، و به آستان علم خدمت‌های شایانی کردند»^(۱).

جان دیون پورت، دانشمند و محقق انگلیسی در این زمینه می‌نویسد:

«شاید هیچ ملتی قبل از مسلمین وجود نداشته باشد که برای کسب دانش از آغاز تا انجام، بیشتر از مسلمانان، احترام قائل شده باشد؛ هم قوانین مکتوب، هم آداب و سنن، به این حس پسندیده کمک کردند»^(۲).

۳. مطابقت با عقل و خرد

دین و مکتبی می‌تواند همگام با تمدن پیش برود که با عقل و خرد و اندیشه همخوانی و هماهنگی کامل داشته باشد. هرگاه آیینی در شیوه‌های اعتقادی، اخلاقی و حقوقی به طور کلی عقل و خرد را کنار بگذارد و مقید نباشد که احکام و دستوراتش را با حکم صریح عقل و خرد هماهنگ سازد، بی‌شک چنین آیینی قابل دوام نخواهد بود؛ و سرانجام

در برابر افکار عمومی و پیشرفت فرهنگ و تمدن، شکست خواهد خورد. رمز فراموش شدن اکثر آیین‌هایی که در برابر پیشرفت تمدن و فرهنگ عقب‌نشینی فاحشی نمودند، مخالفت آن‌ها با حکم صریح عقل و خرد قطعی بوده است.

آیین تحریف شده‌ای که سه خدا را در عین یکتایی می‌پذیرد و فکر و تعقل در اصول دین را محکوم می‌کند، طبعاً در برابر رشد فکری و فرهنگی عقب‌نشینی خواهد نمود.

اما اگر آیینی برنامه‌هایش با عقل و خرد، نه تنها تعارض نداشته باشد، بلکه بر اساس آن پایه‌ریزی شده باشد هیچ‌گاه گذشت زمان و پیشرفت فرهنگ و تمدن، نمی‌تواند آن را کهنه و فرسوده نموده و از درجه اعتبار ساقط نمایند.

کلیسا میان عقل و دین تعارض ایجاد کرده و می‌گوید:

«اصول دین از حوزه عقل خارج است»

۱. منابع فرهنگ اسلامی، تألیف م.م شریف، ترجمه دکتر سید خلیل خلیلیان، ص ۲۴.
۲. عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، جان دیون پورت، سیدغلامرضا سعیدی، ص ۱۲۴.

شرع حکم کند، عقل نیز بر طبق آن حکم خواهد کرد».^(۲)

این رابطه ناگسستنی از آنجا است که «خداوند برای آدمی دو راهنمای قاطع قرار داده که یکی آشکار و دیگری باطنی است. رهبر آشکار همان پیامبران و امامانند که برنامه‌های آسمانی را به بشر ابلاغ می‌کنند، و رهبر باطنی همان عقل است که تشخیص دهنده خیر و شر است و مؤید راه انبیاء».^(۳)

گوستاولوبون ضمن تمجید از آیین اسلام به خاطر هماهنگی با عقل و خرد و نکوهش آیین مسیحیت چنین اظهار می‌دارد:

«اسلام از مطالبی که خرد و عقل سالم از پذیرفتن آن خودداری می‌کند و در

۱. ر.ک: برتراند راسل، تاریخ فلسفه غرب، ترجمه نجف دریا بندری، ج ۲، ص ۹۲-۱۱۶.

۲. مطهری، مرتضی، مجموع آثار، ج ۲۱، ص ۴۶۱، کل ما حکم به العقل حکم به الشرع وکل ما حکم به الشرع، حکم به العقل.

۳. انّ لله علی الناس حجّتين، حجة ظاهرة وحجة باطنة فاما الحجّة الظاهرة فالرسل والأنبياء والأئمة واما الحجّة الباطنة فالعقول، ر.ک: وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص: ۱۶۲.

و عقل حق دخالت در این حوزه را ندارد، شما باید چشم بسته، بگویید مبدأ عالم سه تا است و در عین این که سه تا است یکی است و اگر عقل قبول نکرد بگو فضولی موقوف».^(۱)

اما اسلام در این باره نیز ممتاز است، زیرا حق و احترامی که اسلام برای عقل و خرد قائل شده در هیچ آیینی وجود ندارد. از یک طرف ملاک تکلیف را عقل قرار داده و حقانیت اصول دین را به حکم عقل می‌داند و از سوی دیگر آن را یکی از منابع چهارگانه استنباط احکام می‌داند، یعنی همان‌گونه که کتاب، سنت، و اجماع سرچشمه استنباط احکام به شمار می‌روند، عقل نیز در مسائلی که حکم قطعی دارد و در درک مصالح و مفاسد آن، قاطع و بدون تردید است، به عنوان منبع

قانون‌گذاری شناخته شده است. ارزش مقام عقل در فقه اسلامی تا به

آنجاست که فقهای اسلام میان عقل و شرع، رابطه ناگسستنی قائل شده و می‌گویند:

«هر چه را که عقل دریابد، شرع نیز بر طبق آن حکم می‌کند و هر چه را که

ادیان دیگر نمونه‌های آن بسیار است کاملاً پیراسته است، یعنی آن تناقضات و پیچیدگی‌هایی که غالباً در سایر کیش‌ها و آیین‌ها دیده می‌شود، در دین اسلام هیچ‌یک از آن‌ها وجود ندارد.

... درست بر عکس مسیحیان، که به آسانی نمی‌توانند معنای تثلیث و استحاله را بفهمند، و یا سایر مسائل پیچیده، که تا استاد در علم لاهوت و ماهر در ریزه‌کاری‌های بحث و جدل نباشد، هرگز از آن مطالب پیچ در پیچ بیرون نخواهد آمد». (۱)

جان دیون پورت نیز در این باره نکات ارزنده‌ای را بیان کرده که برخی را یادآور می‌شویم:

«اسلام دینی است منزّه از تضاد و اختلاف، و دینی است که هیچ‌گونه رمز و رازی را با عنف و اجبار بر عقل و استدلال تحمیل نمی‌کند.

بالآخره اسلام دینی است که پرستش قدیسین و شهداء و آثار عتیق و صورت‌ها و نقاشی‌ها و عزلت و انزوای صومعه‌نشینان و رهبانان و آیین توبه و بخشش گناهان را (آن‌گونه که در

کلیساهای مسیحیان رایج است) نسخ کرده است. بنابراین تعجبی ندارد که عبادت‌های این دین بر تشریفات بت‌پرستی و بر شعارهای صائبین و بر محراب و کنشت زرتشتیان غالب آید». (۲)

جمع‌بندی:

شریعت مقدس اسلام، چون اولاً با سرشت آدمی هماهنگ است و هیچ‌یک از دستورات آن با فطرت انسانی در تعارض نیست، ثانیاً با قافله علم و دانش نیز کاملاً همراه است، و ثالثاً هیچ‌گونه تعارض و مخالفتی با حکم عقل ندارد لذا تا دامنهٔ قیامت، استمرار دارد و جاویدان خواهد ماند.

۱. گوستاولوبون، تمدن اسلام و عرب، ص ۱۴۱، مترجم سید محمد فخر داعی گیلانی.
۲. عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ص ۱۱۱-۱۱۲.